

الباب السادس و العشر من الواحد الثالث لا يجوز العمل الا باثار النقطة.

حضرت باب

اصلى فارسى



الباب السادس و العشر من الواحد الثالث لا يجوز العمل الا باثار النقطة.

ملخص اين باب آنكه جازي ناست عمل الا باثار نقطة بيان زيرا كه در اين ظهور از براى حروف حى آثار ایشان از شمس حقيقت ظاهر ميگردد زيرا كه آيات مخصوص نقطة است و مناجات مخصوص رسول الله و تفاسير مخصوص ائمة هدى و صور علميه مخصوص بابواب ولى كل از اين بحر مشرق ميگردد تا اينكه كل اين آثار را در حقيقت اوليه بخوشا شرف مشاهده كنند و هيچ عزى از براى ایشان غير از سبق ايمان كه اعز از كلشيء هست عند الله و عند اولى العلم نبوده و ناست و كل فضل در ظل همين مستظل است

و از حين غروب الى طلوع ”من يظهره الله“ آثار فرضيه مرتفع و حروف حى و كل من آمن بالله و بالبيان در ظل آنها مستظل الا آنكه كسى طيران نمايد در عرفان حكيمى از احكام الله چه اصولا و چه فروعاً و اثرى از خود ظاهر نمايد اگر از حدود بيان تجاوز نمايند در ظل او محشور و الا لايق ذكر نميگردد عند الله و عند اولى العلم

بلكه در اين كور اكثر ناظر بجواهر مسائل و تخفف در اقوال و دلائل و تلذذ بانچه نازل شده از نقطة شمس حقيقت زيرا كه آثار او معاينه مثل ضياء شمس است بالنسبة بانوار كواكب هل يقدر أن يقترن احد بينهما سبحان الله عن ذلك تسبيحا عظيما و تعالى الله عن ذلك علوا كبيرا



ORIGINAL



AUDIO

ولی سعی نمایند در علم حروف و اقترانات اعداد اسماء الله و اقترانات کلمات مشابه و اقترانات آثار مشابه در محل خود که اذن داده شده که نظم بیان را هر کس بهر نحوی که شیرین تر میتواند دهد دهد اگر چه بر هزار نوع ظاهر شود ولی کل راجع بنفس بیان میگردد زیرا که بر او حرفی زاید نمیگردد و از او حرفی ناقص نمیگردد الا آنکه نظم حفظ و اقتران بعضی با بعضی بمناسبات این نسخه با آن نسخه تفاوت بهم میرساند

گویا مشاهده میشود که هیچ نظمی در او داده نمیشود از بعد الا آنکه احلی و انظم از نظم اول میگردد "طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربه فانه یظهر و لا مرد له من عند الله فی البیان الی ان یرفع الله ما یشاء و ینزل ما یرید انه قوی قدیر"

و بهترین نظمها نظمی است که بر حدود ظاهریه شود مثلا اگر ده دعای صد بیتی هست پهلوی هم ذکر شود و همچنین خلط انهار نهمه نگرده آیات در علو خود و مناجات در سمو خود و تفاسیر در مقعد عز خود و کلمات در افق قدس خود و کلمات فارسیه در امتناع ارتفاع خود چنانچه بر ناظر لطیف لوازم اقترانات مخفی نبوده و نیست ذلک من فضل الله علی علماء البیان حیث یشغلون بامر الی ان یفرج الله عنهم بظهور ما هم به باللیل و النهار الی الله ربهم یتوجهون

و اگر ظاهر شود و نشناساند کسی را نفس خود بیانی که او مرتب فرماید مثل شمس است در بین کواکب و این وقتی است که کل را در حجاب ببند چنانچه نقطه بیان سه تفسیر بر قرآن نوشت دو تفسیر بنهج آیات الی آخر و یک تفسیر بر سوره بقره بنهج شئون علمیه که یک حرف از تفاسیر او معادل نمیشود بآنچه کل مفسرین از اول نزول قرآن تا ارتفاع او تفسیر نموده و من یقترن ضیاء الشمس بنور الكواکب فما له من عین یلیق ان یدکر عند الله افلا تنظرون.

